



په اروپا کی د میشته افغانانو د تولنو فدراسیون  
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

## متن کامل صحبت تلفونی نور محمد تره کی با الکسی کاسگین صدراعظم شوروی ۱۱ ماه بعد از کودتای ۷ ثور

۲۷ اپریل ۲۰۱۵

هفت ثور ۱۳۵۷ شمسی (۲۸ اپریل ۱۹۷۸) روز سیاه فراموش ناشدنی در تاریخ معاصر کشور و روز بر افروخته شدن آتش خانمان سوزی است که طی سه و نیم دهه اخیر، آلام بی پایانی را برای مردم رنجیده افغانستان به بار آورد. فاجعه شش جدی و هشت ثور، وحشت طالبی و مافیای سالاری ۱۴ سال اخیر، همه و همه را میتوان پیامد های شوم کودتای ننگین هفت ثور نامید.

حزب کودتایی "دیموکراتیک خلق افغانستان" با کودتای نظامی هفت ثور ثبات سیاسی را که ملت بعد از تحمل چند دهه اختناق و خونریزی بدست آورده بود، به خاطر جاه طلبی و مزدورمنشی، در پیش پای اتحاد شوروی قربان نمود. این آغاز فاجعه بزرگی بود که مردم ما آن را با قیام خود جوش خود پاسخ گفتند. این قیام ها با سرکوب خونین توسط حکومت حزب دیموکراتیک خلق روبرو گردید ولی این سرکوب ها بخش های بیشتر مردم را علیه حکام خونریز بسیج میکرد.

حاکمیت کودتایی که از نداشتن پشتوانه توده رنج می برد، فکر می کرد با توزیع خشونتبار و عجولانه زمین برای دهاقینی که از لحاظ فکری آماده گرفتن زمین نبودند، برای خود پشتوانه مردمی خلق می کند، در حالی که همین اقدام هم به علل زیاد بی موقع بود و به فاصله بزرگی که بین مردم و دولت وجود داشت، افزود. جمهوری کودتایی "دیموکراتیک خلق" ۱۱ ماه بعد از کسب خونین قدرت، در محاصره قیام های خود جوش مردم، قرار گرفته و آهسته آهسته بخصوص در جریان قیام بزرگ هرات (مارچ ۱۹۷۹)، و قیام پلان شده نظامیان جلال آباد (۳۱ مارچ ۱۹۷۹) موجودیت خود را در معرض خطر جدی می دید. در همچو لحظات رهبران حزب و دولت طرح جدیدی را به روس ها پیشکش کردند. نور محمد تره کی رئیس حزب و دولت وقت در جریان یک صحبت تلفونی خواستار آن شد که روس ها بر علاوه اسلحه و مهمات، پرسونل نظامی خویش را هم برای دفاع از حاکمیت حزب "دیموکراتیک خلق" به افغانستان بفرستند.

متن این صحبت تلفونی را جنرال "بوریس گروموف" در آغاز کتاب (اردوی سرخ در افغانستان) از اسناد سری بخش خاص دولت شوروی وقت، در صفحات کتاب خویش اقتباس نموده است. در صفحه ۱۷ الی ۲۴ ترجمه این کتاب (توسط عزیز آریانفر) متن کامل این صحبت تلفونی را چنین می خوانیم:

### ((خیلی سری، بخش خاص)) مذاکره تلفونی به کمک مترجم

کاسیگین: به رفیق تره کی بگوئید که من می خواهم از سوی رفیق برژنف و اعضای دفتر سیاسی به وی درود های فراوان بفرستم.

تره کی: بسیار سپاسگزارم.

کاسیگین: سلامت باشید رفیق تره کی؛ بسیار مانده نباشید.

تره کی: نه من خسته نمی شوم. امروز جلسه شورای انقلابی بود.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پاډوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

کاسیگین: بسیار خوب است. خیلی شادمانم. رفیق تره کی ممکن است اوضاع افغانستان را شرح دهید؟

تره کی: اوضاع خوب نیست. رو به خرابی دارد. طی یک و نیم ماه گذشته از سوی ایران نزدیک به دو هزار نفر نظامی با لباس غیر نظامی به افغانستان اعزام شده اند. حالا تمام فرقه ۱۷ پیاده بر علاوه قطعات توپخانه و دافع هوا که بالای طیارات ما فیر می کنند، در دست آنان است؛ در شهر جنگ در جریان است.

کاسیگین: تعداد افراد فرقه چند است؟

تره کی: نزدیک به ۵۰۰۰ نفر. کلیه مهمات و انبار ها در دست آنان است.

کاسیگین: آنجا برای شما چند نفر مانده است؟

تره کی: ۵۰۰ نفر. آنها تحت رهبری قوماندان فرقه در میدان هوایی شهر مستقر اند. برای تقویت آنان، ما با طیارات از کابل گروه عملیاتی پیاده نموده ایم. این گروه از صبح امروز در آنجا قرار دارد.

**کاسیگین: در میان کارگران، شهرنشینان و کارمندان، آیا کسانی هستند که از شما پشتیبانی کنند؟**

تره کی: پشتیبانی فعال از سوی مردم شهر دیده نمی شود. مردم کاملاً زیر تاثیر شعار های شیعیان مانند: (سخنان بیخدایان را باور نکنید و بسوی ما بیاوید) قرار گرفته اند. تبلیغات بر این پایه مبتنی است.

کاسیگین: نفوس هرات چند است؟

تره کی: حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر. مردم با در نظر داشت تحول اوضاع حرکت می کنند. هر جا که آنان را بکشاند، به همانجا می روند. حالا آنها از جانب مقابل پشتیبانی می کنند.

**کاسیگین: کارگران آنجا زیادند؟**

**تره کی: بسیار کم. روی هم رفته ۱ الی ۲ هزار نفر.**

کاسیگین: شما دورنمای اوضاع هرات را چگونه می بینید؟

تره کی: ما معتقد هستیم که مخالفان قطعات تازه را تشکیل داده به پیشروی ادامه خواهند داد.

کاسیگین: شما قوایی ندارید که آنها را شکست بدهید؟

تره کی: کاش می داشتیم.

کاسیگین: شما در رابطه به این مسأله چه پیشنهاد هایی دارید؟

تره کی: ما خواهش می کنیم که شما به ما کمک های عملی، انسانی و تسلیحاتی کنید.

کاسیگین: این مسأله خیلی دشوار است.

تره کی: در غیر این صورت شورشیان به سوی قندهار حرکت کرده و پس از آن به سوی کابل خواهند آمد. افغان هایی که به پاکستان گریخته اند، هم خواهند آمد. ایران و پاکستان روی یک پلان بر ضد ما عمل می کنند و به همین خاطر اگر شما حالا به هرات یک ضربه کاری وارد بیاورید، ممکن است انقلاب را نجات بدهیم.

کاسیگین: جهانبان همه ازین کار آگاه خواهند شد. شورشیان دستگاه های مخابره دارند، آنها فوراً اطلاع خواهند داد.

**تره کی: تمنا می کنم. کمک کنید.**

کاسیگین: ما باید در باره این مسأله مشورت کنیم.

تره کی: تا شما مشورت کنید، هرات سقوط خواهد کرد. و آنگاه درد های سر بزرگتری هم برای اتحاد شوروی و هم برای افغانستان به بار خواهد آمد.

کاسیگین: حالا ممکن است شما بگوئید که چه پیشگویی هایی در باره پاکستان و بعد هم جداگانه برای ایران دارید؟ شما با عناصر مترقی و پیشاهنگ ایران رابطه ندارید؟ شما نمی توانید به آنان بگوئید که حالا مهمترین دشمن شما ایالات متحده است. ایرانیان خیلی از امریکا خشمگین اند. در بعد تبلیغاتی ممکن است این عامل را به کار گرفت.

تره کی: ما امروز اعلامیه ای بر ضد دولت ایران از طریق رادیو پخش کردیم و خاطر نشان کردیم که ایران در امور داخلی افغانستان در هرات مداخله می کند.

د پانوی شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

کاسیگین: شما لازم نمی بینید که اعلامیه ای هم بر علیه پاکستان پخش کنید؟

تره کی: فردا یا پس فردا اعلامیه مشابهی هم بر ضد پاکستان پخش خواهیم کرد.

کاسیگین: شما به اردوی خود امیدوار هستید؟ درجه و فاداری آن در کدام سطح است؟ شما نمی توانید قوای نظامی را گرد بیاورید که به هرات حمله نمایند؟

تره کی: ما فکر می کنیم که اردو مطمئن است، اما نمی توانیم قوایی را از شهرهای دیگر به سوی هرات سوق بدهیم، زیرا این کار موقعیت ما را در آن شهرها لرزان خواهد کرد.

کاسیگین: هرگاه ما به شما سریعاً تعداد بیشتر طیارات و سلاح بفرستیم، شما نمی توانید، قطعات تازه ای را آرایش بدهید؟

تره کی: این کار زمان زیادی را در بر می گیرد، اما هرات از دست می رود.

کاسیگین: شما فکر می کنید که در صورت سقوط هرات، پاکستان دست به اعمال مشابهی از سرحدات خود خواهد زد؟

تره کی: احتمال این کار بسیار است. روحیه پاکستانی ها، پس از این تقویت خواهد شد. امریکایی ها به آنان کمک های لازم را خواهند کرد. پس از سقوط هرات، پاکستانی ها هم عساکر خود را با لباس ملکی خواهند فرستاد تا شهرها را بگیرند و ایرانیان به مداخلات فعال تری دست خواهند زد. پیروزی در هرات کلید حل بقیه مسایل افغانستان است.

کاسیگین: شما چه عملکردها و اعلامیه هایی را از ما توقع دارید؟ دیدگاه های شما در باره این مسئله در عرصه تبلیغات چگونه است؟

تره کی: باید کمک های تبلیغاتی و عملی را باهم توأم ساخت. من پیشنهاد می کنم تا شما به زودی به تانک ها و طیارات خود اعلامی افغانی بزنید؛ هیچ کسی چیزی نخواهد دانست. قطعات را باید از جانب تورغندی و کابل به هرات سوق داد.

کاسیگین: تا کابل باید راه پیمود.

تره کی: تورغندی به هرات خیلی نزدیک است. اما می توانید عساکر را با طیاره به کابل بفرستید و آنها از کابل به هرات فرستاده شوند، به عقیده ما هیچ کسی نخواهد دانست. همه فکر خواهند کرد که آنها عساکر دولتی افغانستان اند.

کاسیگین: نمی خواهم شما را متأثر بسازم، اما این کار پنهان نخواهد ماند. پس از ۲ ساعت همه جهان از آن آگاه خواهد شد. همه فریاد خواهند زد که تهاجم شوروی به افغانستان آغاز گردیده است. رفیق تره کی، بگوئید، هرگاه ما با طیاره اسلحه شامل زرهپوش به کابل بفرستیم، آیا شما تانکیست خواهید یافت یا نه؟

تره کی: به تعداد خیلی کم.

کاسیگین: چند نفر؟

تره کی: دقیق نمی توانم بگویم.

کاسیگین: هرگاه ما با طیارات برای شما سریعاً زرهپوش، هاوان مهمات لازم بفرستیم، شما متخصصانی که بتوانند این سلاح ها را استعمال کنند، پیدا خواهید توانست؟

تره کی: من به این سوال نمی توانم پاسخ دهم. تنها مشاورین شوروی می توانند پاسخ دهند.

کاسیگین: یعنی می توان چنین دانست که افغانستان کادرهای مجرب نظامی یا ندارد یا بسیار کم دارد. اما در اتحاد شوروی صدها افسر افغان دوره های آمادگی را گذرانده اند. این همه افسر کجایند؟

تره کی: بیشتر شان مسلمانان ارتجاعی اند، به آنها نمی توانیم تکیه کنیم، به آنها اعتماد نداریم.

کاسیگین: نفوس کابل حالا چند نفر است؟

تره کی: نزدیک به یک میلیون نفر.

کاسیگین: هرگاه برای شما سریعاً با طیارات اسلحه بفرستیم، شما نمی توانید پنجاه هزار عسکر دیگر تهیه کنید؟ چند نفر را میتوان جمع کنید؟

تره کی: ما می توانیم تعدادی را جمع کنیم. در قدم اول از میان جوانان، ولی برای آن که آنان را آموزش بدهیم، زمان زیادی لازم است.

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنالین په درننبت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

کاسیگین: شما نمی توانید محصلین را جمع کنید؟

تره کی: ما می توانیم در باره محصلین و متعلمین صنوف ۱۱ و ۱۲ مکاتب صحبت کنیم.

کاسیگین: از طبقه کارگر نمی توانید جمع کنید؟

تره کی: طبقه کارگر در افغانستان بسیار کوچک است.

کاسیگین: دهقانان فقیر چه؟

تره کی: ما می توانیم بر متعلمین، محصلین و تعداد کمی هم کارگران حساب کنیم. ولی تربیه آنان داستان درازی دارد. اما هرگاه لازم باشد، ما به هر اقدامی دست خواهیم زد.

کاسیگین: ما تصمیم گرفته ایم به طور رایگان و عاجل به شما سلاح بفرستیم و طیارات و هلیکوپتر های شما را ترمیم کنیم. همچنان تصمیم گرفته شده است که به شما صد هزار تن گندم تحویل داده شود و قیمت گاز صادراتی شما را از ۲۱ دالر در برابر هر هزار متر مکعب به ۳۷ دالر بالا ببریم.

تره کی: خیلی خوب، اما بیایید در باره هرات صحبت کنیم.

کاسیگین: بیایید، شما نمی توانید حالا چند لشکر از میان پیشگامانی که شما می توانید به آنها اعتماد کنید، نه تنها در کابل، بلکه در دیگر جا ها هم، تشکیل دهید. اسلحه لازم را ما به شما می دهیم.

تره کی: ما کادرهای افسری نداریم. پاکستان هم افراد و افسران خود را به لباس افغانی می فرستد. چرا اتحاد شوروی نمیتواند از بیکها و ترکمنها را به لباس غیر نظامی بفرستد. هیچکس آنها را نخواهد شناخت.

کاسیگین: شما دیگر چه میتوانید در باره هرات بگویید؟

تره کی: ما می خواهیم شما تاجیک ها، ازبک ها و ترکمن ها را برای دریوری تانکها نزد ما بفرستید، زیرا کلیه این اقوام در افغانستان شناخته شده هستند. اگر جامعه افغانی بپوشند نشانه های افغانی به آنان زده شود، هیچ کسی نخواهد دانست. به نظر ما این کار بسیار آسان است. نظر به تجربه پاکستان دیده میشود که این کار بسیار آسان است.

کاسیگین: البته شما مسئله را دست کم میگیرید. این مسئله بسیار پیچیده سیاسی و بین المللی است. ما بار دیگر راجع به آن مشورت میکنیم و به شما پاسخ میدهم. من فکر میکنم که بر شما لازم خواهد بود که قطعات تازه تشکیل دهید، زیرا تنها به قوت اشخاصی که از بیرون می آیند، نمیتوان تکیه کرد. شما با توجه به تجربه انقلاب ایران می بینید که چگونه توده ها توانستند امریکایی ها و آنانی را که میکوشیدند خود را نگهبانان ایران بنمایانند، از آنجا بیرون بیاورند. به هر حال با شما چنین قرار میگذاریم: مشورت میکنیم و به شما پاسخ میدهم. و شما در کشور خود با نظامیان تان و مشاوران ما مشورت کنید. در افغانستان نیروهای هستند که شما را با به مخاطره انداختن زندگی خود، حمایت کنند و به خاطر شما مبارزه کنند. این نیروها را باید همین حالا مسلح ساخت.

تره کی: زرهپوش ها را با طیاره بفرستید.

کاسیگین: شما برای راندن این ماشینها پرسونل دارید؟

تره کی: برای ۳۰ الی ۳۵ عراده راننده داریم.

کاسیگین: آنها افراد مطمئنی هستند؟ همراه با عراده های خود به سوی مخالفان نخواهند رفت؟ دریوران ما که زبان شما را نمیدانند .

تره کی: شما عراده ها را با رانندگانی که زبان ، میدانند بفرستید. تاجیکها و ازبیکها همزبان ما هستند.

کاسیگین: من چنین پاسخی را از شما انتظار داشتم. ما رفقای شما هستیم و مبارزه مشترکی را به پیش میبریم. از این رو نباید از همدیگر دور شویم. ما به شما باز هم تلفون خواهیم زد و موقف خود را به شما خواهیم گفت.

تره کی: درودها و آرزوهای نیک ما را به رفیق بریژنف و اعضای دفتر سیاسی برسانید.

کاسیگین: متشکرم. به تمامی رفقای تان درود برسانید. برای شما قاطعیت در حل مسایل، اعتماد به نفس و بهروزی آرزو میکنیم. (به امید دیدار))

## تبصره:

متن صحبت فوق ثبت شده در آرشیف اسناد خاص و محرم اتحاد شوروی را که جنرال بوریس گروموف آخرین افسر اردوی

د پانوی شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

رزمی اتحاد شوروی در افغانستان در صفحات فوق الذکر کتاب خود نشر نموده، سند انکار ناپذیر نکات ذیل است:

اول: حزب "دیموکراتیک خلق"، برخلاف آنچه خلقی ها و پرچمی ها ادعا میکنند، فاقد هرگونه پشتوانه در میان کارگران و دهقانان فقیر بود. حزب مذکور در اردو نیز در اقلیت بود و از اکثریت هراس داشت. تره کی درین صحبت ادعا کرد که صرف بالای محصلین و متعلمین و بخش کوچک از (قشر کوچک) کارگران حساب کرده میتواند. حتی همین ادعایش هم دروغین است. دولت خلقی صرف از پشتیبانی محصلین و متعلمین و کارگران حزبی برخوردار بود. بعد از پخش هر شینامه، صدها محصل و متعلم به حیث مظنونین این عمل روانه زندان میشدند و سایر محصلین از ناپدید شدن همصنفان شان رنج می بردند و از دیکتاتوری حزب "دیموکراتیک خلق" به شدت نفرت داشتند. اما به زور به مارش های دولتی سوق می شدند.

دوم: اعتماد به نفس این حزب و دولت تحت رهبریش را قیام های مردمی طی کمتر از یک سال چنان ضعیف ساخته بود که خود را در معرض سقوط قریب الوقوع میدیدند. فریبکارانه این قیامها را مداخلات ایران و پاکستان نامیده و به قبله آمل خویش، یعنی مسکو مراجعه نموده خواستار تجاوز نظامی روسها به اشکال آشکار و پنهان به افغانستان می شدند. این که ببرک کارمل با تضرع قوای روس را به افغانستان فرا خواند، بر همگان روشن است. اما تضرع های نور محمد تره کی (تمنی میکنم کمک کنید - رجوع شود به متن صحبت) نیز با مدارک انکار ناپذیر، طوری این مذاکره تلفونی و صحبت حضوری که دو روز بعد از آن در مسکو بین تره کی و کاسیگین صورت گرفت، ثابت است. واضح است که تره کی بدون رضایت امین به چنین درخواستی نمیتوانست بپردازد. بر اساس مندرجات همان کتاب، کمیته مرکزی ح. ک. اتحاد شوروی تا ۱۷ مارچ (نخستین روزهای قیام هرات) متمایل به اعزام عسکر خود به افغانستان بود ولی با سرکوب بیرحمانه نظامیان پشتیبان قیام هرات توسط قوای اعزامی از قندهار که با بیرق سبز داخل هرات شدند و بمباران طیارات روسی رسیده از فراز تورغندی، اوضاع تغییر کرد و کمیته مرکزی به تاریخ ۱۸ مارچ فیصله نمود که بدون سربازان، هر نوع کمک دیگر به افغانستان صورت بگیرد. آن گاه تره کی به مسکو آورده شد و این موقف گیری به تاریخ ۱۹ مارچ به وی حضوری ابلاغ گردید.

سوم: دولت کودتائی که در قوای امنیتی آن ۵۵۰ مشاور و متخصص نظامی روسی وجود داشتند (ص ۱۴ همان کتاب)، و این به اصطلاح مشاوران در عمل همه کاره ارگان های امنیتی بودند (صرف مشاورین شوروی می توانند پاسخ بدهند - رجوع شود به متن بالا) با اوج گرفتن قیام مردم، به صورت روز افزون در گودال وابستگی همه جانبه به شوروی غرق می گردید. حفیظ الله امین با اعتماد عمیقی که به روس ها داشت، فکر میکرد روس ها بالاخره حاضر به ارسال قوای نظامی شده اند و طیارات ترانسپورته قوای کمکی به وی را در دسامبر ۱۹۷۹ در کابل و قندوز پیاده می کنند. غافل از آن که زمان استعمال خودش به پایان رسیده بود، و روس ها در مرحله تکاملی مداخلات خویش او را از میان برداشته، کارمل و جناح پرچم را به خدمت می گیرند.

چهارم: کودتاگران که علیه مردم خود می جنگیدند، بالاخره پای روسها را به افغانستان کشاندند تا "انقلاب" خود را (برگشت ناپذیر) بسازند. این عمل افغانستان را به گرهگاه جنگ سرد مبدل نمود. کشورهای رقیب شوروی کوشیدند جنگ خود جوش مردم را تحت رهبری نیروهای خودفروش و وابسته مستقر در پاکستان و ایران درآورند. همین رهبران در فردای سقوط رژیم خلقی - پرچمی در ۸ ثور ۱۳۷۱ به قدرت رسانده شدند و با شهید ساختن شهر کابل و ۷۰۰۰۰ باشند اش، قیامت دیگری را بر سر مردم کابل برپا کردند. از همین رو می توان گفت که سیاهروز ۸ ثور مولود سیاهروز ۷ ثور است.

### "کمیته حقوق بشر فارو"

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي